

## پرویز داریوش<sup>۱</sup> (۱۳۷۹ - ۱۳۰۱)

عبدالحسین آذرنگ

پرویز داریوش در عرصه‌های دیگری هم ترجمه کرده است، اما دستاورد عمده او در ترجمه شماری از شاهکارهای ادبی نوشته تنی چند از نویسندگان نامدار است. در جوانی شعر هم می‌سرود. چند نقد و بررسی هم به قلم اوست که بعضی از آنها با نام مستعار منتشر شده است، از جمله: شویراد زیورپ که وارونه شده نام پرویز داریوش است (اطلاع شخصی).

در مشهد به دنیا آمد و پدرش که مأمور خدمت در تهران شد، او همراه خانواده به این شهر رفت، در مدرسه فیروز بهرام و کالج آمریکایی (بعداً مدرسه البرز) به تحصیل پرداخت و در همان کالج با زبان انگلیسی آشنا شد. در دوره تحصیل با ایرج افشار، ناصر وثوقی و شماری دیگر، که بعدها در شمار اهل قلم درآمدند، هم‌مدرسه‌ای و آشنا شد. پس از تحصیلات دبیرستانی به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران راه یافت، اما به علتی که چندان معلوم نیست، تحصیل را نیمه‌کاره رها کرد و در ۱۳۲۷ برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد. ظاهراً چندگاهی در آنجا به تحصیل مشغول بود، اما از چند و چون تحصیلات او اطلاعی در دست نیست و گویا بدون گرفتن مدرکی دانشگاهی و به ناگزیر به کشور بازگشت. در آنجا با جریان‌های فکری و ادبی آشنا شد و این آشنایی در آثاری که بعدها به فارسی ترجمه کرد، دیده می‌شود (نک: افشار، ۷۶؛ اتحاد، به نقل از ناصر وثوقی، ۶ / ۸۵۶ - ۸۵۷؛ دهباشی، ۳۱۶؛ «پرویز داریوش»، بدون شماره صفحه).

---

<sup>۱</sup> این مقاله را عبدالحسین آذرنگ برای یکی از دانشنامه‌ها نوشته و با تغییرهای اندکی در اختیار مجله مترجم قرار داده است.

داریوش که در آن زمان گرایش‌های چپ‌گرایانه داشت، در بحبوحه تنش‌های سیاسی داخلی و جنبش ملی‌شدن صنعت نفت به کشور باز آمد. او با گرایش گروهی که از حزب توده انشعاب کرده بودند، موافق شده بود. با این‌که از آن حزب جدا شد، اما به سبب تک‌روی و خصلت انزواجویانه‌اش به انشعابیون نپیوست، اگرچه با خلیل ملکی، انور خامه‌ای، جلال آل‌احمد و همفکران آنها دوستی داشت (نک: دهباشی، ۳۱۶).

داریوش در صف نخستین شاعرانی جای می‌گیرد که از سبک جدید نیمایی در شعر پیروی کردند. او از میان شعرهای نو برگزیده‌ای را با عنوان *نمونه‌های شعر نو* (تهران، ۱۳۲۵) انتشار داد. شعرهایی که در آن کتاب گردآورد، سومین گزیده انتشار یافته شعر نو فارسی بود. دفتری از سروده‌های خود او هم با عنوان *مزامیر* (تهران، ۱۳۳۵)، شامل ۱۱ قطعه شعر و همراه با مقدمه‌ای بسیار مفصل، یادگاری از دوره شاعری اوست (شمس لنگرودی، ۱/ ۳۴۱؛ ۲/ ۱۰۷)، دوره‌ای که ادامه نیافت و به گفته خود داریوش، «شعر او را ترک کرد» (دهباشی، ۳۱۶ - ۳۱۷). شمس لنگرودی می‌گوید: شعرهای داریوش در این کتاب، تصنعی بود، اما درعین‌حال از درک عمیق فلسفه وجودی شعر نو نشان داشت (همو، ۴۳۶/۲). ناصروثوقی نام پرویز داریوش را در کنار نام‌هایی چون تندر کیا، هوشنگ ایرانی، احمد شاملو، هوشنگ ابتهاج و غیره قرار داده و از همه آنها با هم با عنوان «پایه‌گذاران شعر معاصر» فارسی یاد کرده است (همو، ۱۷۸).

پرویز داریوش با صادق هدایت آشنایی داشت و پس از مرگ او کتابی با عنوان *یاد بیدار: یاد از صادق هدایت و نقد آثارش* (تهران، ۱۳۷۸) نوشت که از نقدهای درخور توجه درباره هدایت است (نک: خود اثر). داستان کوتاهی هم با نام «رهبر محبوب» نوشته که در سال‌های ۱۳۳۰ در مجله مهر انتشار یافت و به سبب نیش و کنایه‌های آن به حزب توده، خشم طرفداران آن حزب را برانگیخت (افشار، ۸۶). شماری مقاله و نقد هم به صورت پراکنده از او در مطبوعات منتشر شده است.

پرویز داریوش در وزارت امور خارجه و دارایی به سمت مترجمی مشغول بود و تا پایان عمرش با درآمد محدود این سمت زندگی می‌کرد، اما در کنار آن، پیگیرانه به ترجمه ادامه داد. ترجمه‌های داریوش را در دو دسته اصلی می‌توان جای داد:

۱) آثار غیرداستانی مانند *آمال تربیت*؛ *سرگذشت اندیشه‌ها* (آلفرد وایتهد)، *مجلدی از تاریخ تمدن* (ویل دورانت)، *تاریخ تمدن غرب و مبانی آن در شرق* (برینتن)، *عصر روشنگری* (آیزیا برلین)، *فضیلت خودپرستی* (این راند)، و چند اثر دیگر؛

۲) آثار داستانی که مهم‌ترین دستاورد داریوش در ترجمه و گواه پرکاری و پیگیری چشمگیر در کار است. او شماری از شاهکارهای ادبی و تعدادی از دشوارترین متن‌های ادبی را از دیدگاه ترجمه انتخاب و به فارسی برگردانده است، از جمله از: *اروینگ استن (رنج و سرمستی؛ عشق جاوید است)*؛ *جان استاین بک (چمنزارهای بهشت؛ ماه پنهان است؛ موشها و آدمها)*؛ *مارک تواین (تام سائر)*؛ *جیمز جویس (دوبلینی‌ها؛ سیمای مرد هنرآفرین در جوانی)*؛ *فئدر داستایوسکی (خانم صاحبخانه)*؛ *آندره ژید (مائده‌های زمینی)*؛ *سنت اگزوپری (پرواز شبانه)*؛ *ویلیام فاکنر (تسخیرناپذیر)*؛ *گراهام گرین (سایه‌گیران؛ وزارت ترس)*؛ *جک لندن (آوای وحش)*؛ *هرمن ملویل (تایپه؛ موبی دیک)*؛ *سامرست موآم (ماه و شش‌پشیز)*؛ *ویرجینیا ولف (خانم دالوی)*؛ *هرمان هسه (اسپرلوس؛ استاد بازی مهره شیشه‌ای؛ سالهای آزادی؛ سیدارتا؛ گرتروود)*؛ *ارنست همینگوی (آن سوی رودخانه زیر درختان؛ به راه خرابات در چوب تاک؛ داشتن و نداشتن)*؛ و آثار ادبی دیگری از هنریک پاناس، پر لاگرکوئیست، ناباکف و چند تن دیگر (نک: خود آثار).

ترجمه داریوش از نوع ترجمه دقیق، و در مواردی حتی ترجمه واژه به واژه است. در ترجمه‌های غیرداستانی او اصطلاحات عربی و گاه واژه‌های مهجور و کمتر رایج به کار رفته است. ترجمه‌های ادبی اش تسلط او را به دو زبان مبدأ و مقصد نشان می‌دهد. با این حال، بازتاب‌هایی از خصلت تکروی و تفردجویی او در انتخاب برابری فارسی و ساختار جمله‌ها در زبان مقصد دیده می‌شود.

داریوش در یادداشتی بر بازچاپ ترجمه *تسخیرناپذیر*، نوشته است: «در ترجمه این کتاب امانت را به حد کمال، و سبک نویسنده را در حد توانایی، مراعات کرده‌ام... این ترجمه را بر هر ترجمه دیگر که کرده‌ام، و حتی بر آنچه خود نوشته‌ام، رجحان می‌نهم (همو، «تبصره‌ی بر...»، بدون شماره صفحه).

از داریوش اطلاع مکتوبی درباره خودش در دست نیست. چندین کوشش که برای گفت‌وگو با او و مصاحبه درباره ترجمه‌هایش به کار بستند، به جایی نرسید. به کسانی هم که حضوراً او را می‌دیدند، یا با او تماس می‌گرفتند و پرسش‌هایی به میان

می‌آوردند، پاسخ نمی‌گفت (از جمله، نک: کامیار عابدی به نقل از اتحاد، ۵۵۶؛ قانع‌راد، بدون شماره صفحه). او در انزوای خودخواسته‌اش و پس از مدتی بیماری در گذشت. بازتاب مرگ او در مطبوعات و رسانه‌ها، درخور مترجمی نبود که عمری را در راه ترجمه‌های دشوار صرف کرده بود. روشنگر داریوش، مترجم آلمانی به فارسی، مترجم قطره اشکی در آقیانوس (مانس اشبربر) و چند اثر دیگر، دختر او بود (اطلاعات شخصی نویسنده مقاله).

### منابع

آذرنک، عبدالحسین [اطلاعات شخصی]؛ اتحاد، هوشنگ، پژوهشگران معاصر ایران، تهران، ۱۳۸۲؛ افشار، ایرج، «یادی از پرویز داریوش»، بخارا، تهران، ش ۳۱ (مرداد - شهریور ۱۳۸۲)؛ پرویز داریوش (معرفی کوتاه در لبه برگردان جلد باراباس)؛ داریوش، پرویز، تبصره‌ی بر چاپ دوم (یادداشت مترجم) در: ویلیام فاکنر، تسخیرناپذیر، ترجمه پرویز داریوش، تهران، ۱۳۵۶؛ دهباشی، علی، «خاموشی پرویز داریوش»، بخارا، تهران، ش ۱۷ (فروردین ۱۳۸۰)؛ شمس لنگرودی، محمدتقی، تاریخ تحلیلی شعر نو، تهران، ۱۳۷۷؛ قانع‌فرد، عرفان، «دیدار با پرویز داریوش، مترجم ادبی»، [www.akhbar-rooz.com](http://www.akhbar-rooz.com) (۱۱ شهریور ۱۳۸۵)؛ وثوقی، ناصر، «نیما یوشیج، پدر شعر نو یا یکی از پدران»، کلک، تهران، ش ۷۶-۷۹ (تیر - مرداد ۱۳۷۵).

\*\*\*\*\*